

(راجع بمسائل فنی جراحات وارده بوسیله اسلحه آتشین آنچه در صفحات آتی ذکر شود از کتابیکه مسیو هوفمان متخصص معروف آلمانی در این موضوع تالیف نموده اقتباس گردید و کتاب فوق الذکر بهترین و کاملترین رساله است که تا کنون راجع بموضوع مزبور تصنیف شده است)

در صورتیکه تیر از فاصله نزدیک انداخته شده باشد یا اینکه ساخت اسلحه عالی و خوب باشد جراحات بزرگ پاره پاره و مقداری از گوشت بدن محو و معدوم می گردد علت این است که در چنین موقع گازهای منبسط شده باروت در مجرای جراحی که بوسیله کلوله تولید گردیده بلافاصله فرو رفته و در زیر جلد منتشر گردیده آنرا پاره و قسمتی از آنرا می پراند مخصوصاً هر گاه قسمتی از بدن که بآن جراحی وارد آمده است مجاور با استخوان باشد یعنی در زیر گوشت قطعه استخوانی قرار گرفته باشد.

این قضیه بیشتر عملی میگردد علت آنهم این است که چون گازهای مزبور نمی تواند بفاصله نسبتاً زیادی در گوشت نفوذ پیدا نماید بعقب رانده شده و جراحی را پاره پاره میسازد موضوع دیگری که ثابت مینماید تیر از فاصله خیلی نزدیک انداخته شده سوختگی موی بدن ماس باسوراخ جراحی است زیرا بواسطه نزدیک بودن سلاح با هدف حرارت شعله باروت نقطه مزبور را سوزانده یا لاقط سیاه میسازد.

جعفر وجدانی

آنها غیر موزون و بی معیار است بعلاوه سوراخهای گردونه کاملاً با سوراخ لوله مربوط نبوده حتی در بعضی طپانچهها فاصله بین آنها زیاد و در نتیجه اضطراب موقع تیر انداختن کلوله بداخل لوله جستن کرده و مقدار زیادی گاز محترقه راتلف میسازد بهمین جهت جراحات وارده از این قبیل طپانچهها را متخصصین فنی غیر مهلك تشخیص داده اند اما واضح است که در بعضی موارد (فشنگ تازه و خوب پر شده فاصله نزدیک و غیره) بدترین طپانچهها قادر است تولید جراحی مهلكی را بنماید و حال آنکه بهترین سلاح قنداق پر جدید در صورتیکه بدیر شده باشد و از فاصله زیاد تر آن پرتاب شود ممکن است تیرش مهلك واقع نگردد.

بنا بر این در موردیکه فقط اثر را دیده و علائم مختصه دیگری را ملاحظه نمینمایند بایستی فوق العاده دقت کرده و جز از یک اثر شدید یا یک اثر ضعیف از چیز دیگر سخن نرانند.

بازرسی که بدون مقدمه و قبل از مطالعات دقیقه اظهار عقیده مینماید که فلان تیر از فلان سلاح دور دم از فاصله خیلی نزدیک انداخته شده و علل و جهاتی برای صحت تشخیص خود ذکر نمینماید فقط ثابت خواهد کرد که کمتر با اسلحه آتشین سروکار داشته و اطلاعات بسیطی راجع باین موضوع ندارد.

در اینحال ممکن است از راه راست منحرف گردیده و دچار اشتباهات مهم خطرناک گردد.

بحث در قوانین تجاری انگلستان

مقابل فرصت معقولی قائل آمدتا بتواند از روی بصیرت اقدام به قبول یارد آن عرضه نماید. اما اینکه آن فرصت تا چه مدتی ادامه مییابد منوط است بزمان و مکان و مقتضیاتیکه در هر مورد تفاوت میکند. در یکی از

استرداد عرضه

بنا بر عرف و عادت و رویه معاملات در انگلستان وقتی از یک طرف اقدام به عرضه شد میباید برای طرف

از مارك عرضه کننده بی خبر هم بوده باشد باز همین حال را دارد»

قواعد مربوط به قبول

۱- بنا بر قوانین انگلستان قبول میباید مطلق و بلا شرط باشد و بصورت و ترتیبی که طی عرضه مقرر گردیده است بعمل آید.

هر گونه تبدل و تغییر غیر از آنچه که در عرضه مقرر شده بعمل آید بمنزله پیشنهاد یا عرضه متقابل تلقی میشود چنانچه هر گاه الف فروش مزرعه خود را عرضه نماید بشخص ب مبلغ هزار لیره و ب پاسخ دهد (من بمبلغ ۹۵۰ لیره میخرم) و الف نپذیرد و مجدداً ب بنویسد (بسیار خوب بهمان هزار لیره که میخواستید خریدم) نمیتوان گفت که قرار داد الزام آوری انعقاد یافته زیرا عرضه متقابل ب که ۹۵۰ لیره پیشنهاد نمود بمنزله رد عرضه الف شناخته میشود و البته پس از آنکه بدو آ عرضه را رد کرده است قبولی او ثاباً تأثیری ندارد با وجود این لازم است بخاطر داشته باشیم که هر گونه مخابره و استفساری که شخص عرضه شده قبل از اعلام قبول از عرضه کننده بنماید نباید بمنزله رد عرضه تلقی شود چنانچه ممکن است شخص عرضه شده معنای واقعی یا مفهوم یک چیز و یا آنچه را که مشمول عرضه باشد بپرسد و ممکن است مکاتبات و نظریاتی مبادله شود از لحاظ انعقاد قرارداد رسمی و مبسوط تری چنانچه قبلاً بنظایر آن اشاره نموده ایم.

۲- اعلام قبول میباید طی مدتیکه در عرضه مقرر شده و یا طی مدت معقولی بعمل آید

۳- هر گاه عرضه بیکفرد مخصوص شده باشد اعلام قبول نیز باید از جانب همان فرد بمعمل آید

۴- قبول باید بشخص عرضه کننده یا به نماینده مجاز وی اعلام گردد خواه اعلام زبانی و خواه عملی باشد ولیکن قبولی که اعلام نشود و در نیت قبول کننده

دعاوی متشابه سال (۱۸۶۶) مدعی علیه درخواست سهامی از شرکت مدعی نموده بود که خریداری کند مدت پنجمه پاسخی بدرخواست وی از طرف شرکت داده نمیشود و بعد از آن با و اعلام میدارند که سهام مطلوب بنام او ثبت شد. دادگاه چنین رای داد که چون شرکت در قبول عرضه مدعی علیه تاخیر نموده است مشارالیه حق دارد عرضه خود را مسترد و سهام را نپذیرد

هر گاه برای ادامه فرصتی که از لحاظ رد یا قبول عرضه میدهند قرار دادی جدا گانه فیما بین نباشد (که البته چنین قرار دادی هم در مقابل عوض ممکن الوقوع است) طرف میتواند در هر موقع که بخواهد مادام که اعلام قبول بعمل نیامده عرضه را مسترد نماید هر چند که قبلاً وعده عدم استرداد آن را داده باشد استرداد وقتی تحقق پیدا میکند که بطرفی که با و عرضه شده اعلام گردد.

اما اینکه استرداد عرضه بکدام طریق بطرف عرضه شده اعلام گردیده است اهمیتی ندارد مثلاً مالی برای فروش از طرف الف عرضه شد به ب و مدت معینی هم فرصت داده شد تا شخص ب در معامله مطالعه نماید ولی قبل از آنکه مدت پیمان رسد الف مال را بشخص ثالث فروخت در نظایر این قضیه بطوریکه مقامات قضائی انگلیس رای داده اند صرف همین فروش بمنزله استرداد عرضه تلقی میشود و بعد از آنکه شخص ب بطریق غیر مستقیم از فروش مال اطلاع یافت نمیتواند اصرار نماید که او درصد قبول بوده و شخص الف را مسئول قرار داد بداند (البته این در صورتی است که برای ادامه فرصت عوضی معین نشده باشد).

بعلاوه راجع بمسئله اخیر ملاحظه زیر را نیز قاضی ملیش اشعار داشته است: « این قانونی است متفق علیه که هر گاه شخص عرضه کننده بمیرد نمیتوان بعد از مارك او عرضه را قبول نمود و هر گاه قبول کننده

دهند بنا بر این اعلام قبول همان لحظه که تسلیم پست گردید بعمل آمده است.

ب - از آنجا که هر کدام از دو طرف در شهری جدا گانه زندگی میکنند ناگزیر پست را میباید در نظر گرفته باشند که وسیله اعلام قبول باشد هر چند که عرضه بوسیله پست بعمل نیامده است.

ج - استرداد عرضه مؤثر نیست مگر آنکه خاطر طرف را مستحضر ساخته باشند و بنا بر این اعلام استرداد عرضه بوسیله پست از ساعتی که تسلیم پستخانه میشود مؤثر نیست بلکه از آن لحظه مؤثر است که طرف قبول کننده آنرا دریافت کرده باشد.

در يك دعوی متشابه (سال ۱۹۰۴) قواعدیکه در نتیجه قضیه (هنتورن با فریزر سال ۱۸۹۲) استقرار یافته بود از طرف قاضی فارول مجری کشت. شاکي اختیاری تحصیل کرده بود بمدت معین که تحت قراردادی حق امتیازی را در طبع و تقلید از صاحبش خریداری کند و این اختیار روز ۲۹ مارس خاتمه پیدا میکرد. شاکي روز ۲۲ مارس بوسیله تلگراف و روز ۲۳ بوسیله مکتوب از مشتکی عنه درخواست نمود که مدت اختیار او تمدید یابد در ظرف ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ مارس میانه شاکي و مشتکی عنه نامه ها و تلگراف هائی مبادله شده و روز ۲۶ مارس نامه شاکي مورخ ۲۳ بمشتکی عنه رسید و از شهر رم بشاکي تلگراف کرد:

(روز جمعه در شهر ژن مهمانخانه ژن و روز دوشنبه در پاریس هستم.) روز شنبه ۲۸ مارس شاکي تلگرافی به آدرس ژن مخابره نمود خطاب بمشتکی عنه دایر بر ادامه عمل به اختیار خود طبق قرار داد و لیکن قبل از وصول این تلگراف مشتکی عنه از ژن عازم مونت کارلو شده و روز یکشنبه از آنجا روانه پاریس گردید و دو شنبه ۳۰ مارس وارد پاریس شد. شاکي بتاريخ ۲۸ مارس مکتوبی بآدرس پاریس نوشته مفاد تلگراف خود را تایید نمود دایر بر عمل با اختیار طبق قرار داد. این مکتوب

مستور بماند مؤثر نیست.

ممکن است عرضه کننده طرف را از اعلام قبول معاف نموده باشد چنانچه در قضیه حب های شرکت (اسموک بال) طی یکی از مقالات گذشته اشاره شد.

۵ - هر گاه عرضه کننده عرضه خود را مسترد ساخته باشد میباید شخص قبول کننده از آن استرداد بی خبر مانده باشد و الا اگر مستقیماً یا غیر مستقیماً از استرداد عرضه مستحضر شده باشد اعلام قبول او مؤثر نخواهد بود چنانچه قبلاً باین موضوع اشارتی شده است.

۶ - اعلام قبول قرارداد را منعقد و استوار میسازد و همینکه قبول اعلام شد دیگر آنرا نمیتوان مسترد داشت.

عقد قرار داد بوسیله پست

قواعد مربوط بقراردادهائیکه بوسیله مکاتبه پستی منعقد میگردد در نتیجه چندین قضیه که در دادگاههای انگلیس مطرح و فیصله یافته فی الواقع کاملاً روشن و مقرر گشته است.

مهمتر از همه این قضایا قضیه آدامس بالیندسل سال ۱۸۱۸ میباشد از اینقرار:

الف اجناسی عرضه داشت بوسیله نامه پستی به بشرطی که جواب پستی بمدت معین برسد در رسانیدن نامه بی نظمی رخ داده و جواب از طرف ب که اعلام قبول نموده دو روز دیرتر از وقت معین به الف میرسد و الف در آن ضمن اجناس را بشخص ثالث فروخته بود دادگاه رای میدهد که از لحظه قبولی عرضه قرارداد منعقد و الزام آور است برای طرفین.

قواعدیکه در نتیجه مراجعه هنتورن با فریزر سال ۱۸۹۲ پس از صدور رای دادگاه استقرار یافت عبارت است از:

الف - از آنجا که اوضاع و احوالیکه طی آنها عرضه بعمل آمده حکایت مینماید بر اینکه طرفین در نظر داشته اند که مکاتبه پستی را وسیله اعلام قبول قرار

بنابر شهادتی که ادا شد نامه شرکت بعنوان
جونس فقط ساعت ۱۱ قبل از ظهر تسلیم پست گردیده
بود و نیز بنابر گواهی معلوم شد کارکنان پستخانه از
مداخله در ایصال نامه‌های مردم به پست طبق آئین ممنوع
میباشند.

رای دادگاه چنین اعلام گشت که چون نامه جونس
مشعر بر استرداد عرضه خود قبل از آنکه نامه شرکت
مشعر بر اعلام قبول به پستخانه تسلیم شود بشرکت رسیده
است علیهذا فیما بین قراردادی انعقاد نیافته است و جونس
ملزم به خریداری سهام نمیباشد.

هرگاه عرضه تلگرافی باشد اعلام قبول نیز مقتضی
است تلگرافی بوده و یابیکی از سریعترین وسایل انجام
پذیرد. هرگاه قبول عرضه تلگرافی بوسیله نامه پستی
اعلام گردد مدرکی خواهد بود دال بر تأخیر نامه قبول از
جانب قبول کننده و عرضه کننده را اگر اتفاقاً با استرداد
عرضه اقدام نماید محق میسازد.

در صورتیکه مخبراتی بقصد عرضه و قبول بوسیله
پست آغاز شود و عرضه‌ئی را که بانامه پستی بعمل آمده
طرف شفاهاً رد نماید مسئولیت عرضه کننده سلب میشود
مگر آنکه مجدداً راضی بتجدید عرضه شود.

رحیم زاده صفوی

عادتاً باید ۲۹ مارس برسد اما مشتکی عنه روز ۳۰ وارد
پاریس شد و مکتوب را دریافت مشتکی عنه اظهار
میداشت که تلگراف و مکتوب هر چند روز ۲۸ مارس
ارسال گردیده اما روز ۳۰ یعنی یکروز بعد از انقضای
مدت اختیار نامه که ۲۹ مارس بوده باور رسیده است.
دادگاه چنین رای میدهد که عملی که شاکی طبق
اختیار نامه نموده است صحیح و قانونی بوده زیرا طرفین
ناگزیر پست را وسیله مخابره خود میدانسته اند و
تلگراف و مکتوب در تاریخ ۲۸ تسلیم پست شده است
قضیه جونس با بانک شمالی لندن سال ۱۹۰۰ نیز
در این موضوع شایان توجه است. جونس از شرکت تقاضای
خریداری سهام نمود ولی روز ۱۲۶ اکتبر ۱۸۹۸ مکتوبی
نوشت که تقاضای خود را مسترد بدارد و این نامه روز
۲۷ اکتبر ساعت هشت و نیم صبح بکمپانی رسید و حال
آنکه بعد از ظهر روز ۱۲۶ اکتبر رؤسای شرکت نشسته
تصویب نمودند که سهام مطلوبه جونس بنام او ثبت شود
و نامه دایر بر اعلام و اگذاری سهام شب ۲۷ - ۲۶ اکتبر
در دفتر تهیه شده ساعت ۷ روز ۲۷ برای تسلیم به پست
که یکی از شعبه‌های خارجی پستخانه مرکزی لندن بود
ارسال ولیکن در آن ضمن یکی از موزعین پست پیش
آمده تعهد مینماید نامه‌ها را خود او به پستخانه برساند
و مبلغی هم حق الزحمه برای انجام این خدمت میستاند